

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هشتم، شماره بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۱۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۸/۲۳

صفحات: ۱۴۹-۱۲۹

## سیاست‌های مدیریت بر آموزش در عصر جهانی شدن

دکتر رمضان جهانیان

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه علوم تربیتی، کرج، ایران

مریم یعقوبیان

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه مدیریت آموزشی، کرج، ایران

### چکیده

سیاست همراهی با جهانی شدن، در گرو تربیت افرادی میسر می‌شود که توانمندی درک چارچوب‌های آن را داشته باشند و در این راستا مدیریت آموزشی، شناخت و به کار بردن نظریه‌ها و سیاست‌های اجرایی آن از لازمه‌های همگامی با جهانی شدن برای توسعه هر کشور است. اما دیوان سالاری، بی‌ثباتی سیاسی و مدیریتی، عدم تمرکز زادی و بی‌توجهی به آموزش‌های ضمن خدمت از موانع تربیت افرادی برای همگام شدن با جهانی شدن در فرآیند آموزش و پرورش است و برای رفع این موانع توجه به سیاست‌هایی مانند مدیریت مشارکتی و مدیریت روابط جهانی، و پرهیز از سیاست درون‌نگر مدیریت سنتی ضروری به نظر می‌رسد، امری که این مقاله در پی تبیین آن است.

### کلید واژگان

جهانی شدن، محلی شدن، جهانی شدن آموزش، مزایا و معایب جهانی شدن، موانع جهانی شدن.

## مقدمه

ورود جهان به هزاره سوم و آغاز عصر اطلاعات پدید آورنده مناسبات جدیدی در عرصه حیات اجتماعی است که همراهی با آن، در گرو سیاست آموزش و تربیت افرادی میسر می‌شود که توانمندی درک چهارچوب‌های جدید و امکان همسویی با آن را داشته باشند. از این رو در دنیای کنونی سیاست دستیابی به فناوری جهانی و بومی‌سازی آن از یکسو و سرمایه‌گذاری هدفمند در آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی دو رکن اساسی توسعه پایدار محسوب می‌شوند. آموزش و پرورش به دلیل زمینه‌سازی برای تربیت متخصصان و کاربران فناوری از یکسو و نیز به عنوان یکی از متاثران اصلی از فناوری اطلاعات در فرآیند تربیت فراگیر، دارای اهمیت بیشتری نسبت به عوامل دیگر می‌باشند. (نیاز آذری، ۲۰۰)

لازمه ماندگاری و دوام و بقا انسان‌ها در عرصه تحولات پرشتاب در مراکز آموزشی بیشتر از سایر سازمانها بوده، بدین ترتیب مدارس باید عاداتها و رویه‌ها را محک مجدد بزنند و با دیده نقادی به راهیابی بهتر در همه زمینه‌ها بپردازند. در شرایطی که درجهان مدیریت بدون مرز مطرح است و در صحنه‌های جهانی به آن پدیده جهانی شدن می‌گویند سازمان‌ها به ویژه سازمانهای آموزشی لازم است بر حوزه استحفاظی خویش بیندیشند و هر چه تأثیر عوامل محیطی بر سازمان‌ها بیشتر می‌شود، تصمیم‌های آموزشی بار استراتژیکی پیدا می‌کنند.

هزاره سوم یادگیری بر چهار ستون اصلی یعنی یادگیری چگونه دانستن، چگونه انجام دادن، چگونه با دیگران زیستن و چگونه شدن استوار است و به بیان دیگر امروز رهبران آموزشی باید پاسخگوی سؤالاتی مانند چه چیز را بیاموزیم؟ چگونه بیاموزیم؟ چرا بیاموزیم؟ و تأکید بر خود قضاوتی و خود کنترلی باشند. و یادگیری را چنان نهادینه نمایند که حاصل آن انسانهای توسعه یافته‌ای باشد که منجر به نوآوری و نواندیشی در جامعه شوند. (شهرکی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۱)

امروزه در هر جامعه‌ای و با هر نگرشی، عنصر مدیریت آموزشی یکی از اهرم‌های توسعه جامعه بشری است. مدیریتی که برای خود صاحب نظریه بوده و بینش و بصیرت داشته باشد. زیرا برای تحقق هر جامعه باید به مهم‌ترین بخش سازمانی و مغز توفنده یعنی مدیریت و قلب تپنده آن یعنی ابزارهای مدیریت توجهی ویژه داشت، تا زمانی که مدیریت‌های ما مغزهای توفنده و قلب‌های تپنده نداشته باشند

و مسلح و مجهز به بصیرت‌ها و تئوری‌ها نباشند نخواهند توانست به اهداف خود برسند. (خورشیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۳)

### ۱. مبانی نظری: جهانی شدن: تعاریف، مزایا و معایب آن

#### الف. تعاریف جهانی شدن

جهانی شدن درک متقابل و تفاهم سازگار به منظور ایجاد ارتباط منطقی و اثربخش است که به تعامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و زیست محیطی صرف نظر از نژاد، جنس، آیین و قومیت‌های گوناگون منتهی شود. (کرمی‌پور، ۱۳۸۲: ۳۹) در مورد جهانی شدن سه دیدگاه اصلی وجود دارد:

۱) پژوهشگرانی که جهانی شدن را مخاطره‌های هولناک برای آینده جامعه بشری ارزیابی می‌کنند. این گروه نتیجه جهانی شدن را غربی کردن، یکسانی فرهنگی، از بین رفتن ممیزه‌های فرهنگی و فتح گسترده جوامع گوناگون به وسیله فرهنگ غربی می‌دانند، معتقدند جهانی شدن موجب نشر شکاف‌های اجتماعی می‌شود. فقر در کشورهای پیرامونی بیش از پیش افزایش پیدا خواهد کرد و این فقر به بهای افزایش امکانات، فرصت‌ها و غنی‌تر شدن سلطه کشورهای مرکز است. در واقع این افراد بحث جهانی شدن را در قالب رابطه مرکز پیرامون می‌بینند و این رابطه ظالم و مظلوم است؛ کشورها و افراد دارا در این فرآیند دارا تر و ندارها، ندارتر می‌شوند.

۲) دیدگاه دوم، نتیجه این روند را به مثابه یک مدینه فاضله تلقی می‌کند که در سایه آن همگرایی، بهره‌مندی اقتصادی، خلاصی از نظام‌های غیردموکراتیک، جامعه مدنی بین‌المللی و دموکراسی جهانی ایجاد می‌شود.

۳) دیدگاه سوم متعلق به کسانی است که هم امکانات و هم آسیب‌های جهانی شدن را می‌بینند. (۵)

#### ب. مزایای جهانی شدن

اندشمندان موافق جهانی شدن یعنی گروه دوم که در بالا به آن اشاره شد، مزایای جهانی شدن را چنین بر می‌شمرند: سهیم شدن در دانش، مهارت‌ها و دارایی‌های فکری جهانی برای توسعه چندجانبه

در سطوح مختلف، حمایت متقابل، مکمل و سودمند جهت ایجاد سینرژی در توسعه کشورها، جوامع و افراد، خلق ارزش‌ها و افزایش کارایی از طریق سهیم شدن جهانی و حمایت متقابل از نیازهای محلی، رشد تفاهم بین‌المللی، همکاری، هماهنگی و پذیرش تنوع فرهنگی بین کشورها و مذاهب، تسهیل ارتباطات و تعاملات چندجانبه و تشویق مشارکت چند فرهنگی در سطوح مختلف بین کشورها. (کدیور و ابراهیمی قوام، ۱۳۸۲: ۴۸)

### ب. معایب جهانی شدن

اندشمندان مخالف جهانی شدن یعنی گروه اول که در بالا به آن اشاره شد، معایب جهانی شدن را چنین بر می‌شمرند: افزایش شکاف تکنولوژیکی و تقسیمات دیجیتال بین کشورهای پیشرفته و کشورهای کمتر توسعه یافته و ایجاد مانع در دسترسی به فرصت‌های مساوی جهت سهیم شدن منصفانه جهانی، ایجاد فرصت‌های محدودتر برای کشورهای کمتر توسعه یافته که مستعمره سیاسی و اقتصادی سایر کشورها هستند، بهره برداری منابع محلی و تخریب فرهنگ بومی کشورهای توسعه نیافته به نفع چند کشور پیشرفته، افزایش بی‌عدالتی و تضاد بین مناطق و فرهنگ‌ها، ایجاد فرهنگ‌های حاکم و تسلط ارزش‌های بعضی از مناطق پیشرفته و افزایش پیوندهای فرهنگی از مناطق پیشرفته به مناطق کمتر توسعه یافته. (Cheng A, 2004: 29)

### ۲. جهانی شدن و تأثیر آن بر سیاست آموزشی و آموزش

در عصر کنونی به جای یادگیری اندیشه‌ها باید به یادگیری اندیشیدن پرداخت. به جای در انتظار آینده بودن به ساختن آینده همت گماشت. انسان پیشرو قرن بیست و یکم، انسانی است که بتواند سازگاری با ناسازه‌های زمانه را در خود پرورش دهد. انسان هزاره سوم شهروند فراملی، فرامرزی، فراساختاری و البته با تکیه بر سنت‌ها و ارزش‌های ملی خود است. رسالت پرورش انسان هوشمند و هوشیار و خرد ورز، انسانی که بتواند در کشاکش بحران‌ها و چالش‌های فزاینده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان کنونی، هویت، ثبات و پویایی و یکپارچگی خود را حفظ کند بر عهده آموزش و پرورش است و نظام تربیت برای تحقق چنین اهدافی نیازمند سیاست نوآورانه‌ای است. در عصر جهانی شدن،

سیاست آموزش و پرورش نیازمند نوزایی آموزشی برای حصول توسعه ملی است. محصول نظام آموزش و پرورش بدون نظریه، سیاست درست، طرح و نقشه، شخصیت‌های کلخانه‌ای و مونتاژ شده است. در عصر جهانی شدن، تعلیم و تربیت باید به سوی جهانی شدن حرکت کند، بدون اینکه تلقین پذیر باشد. سیاست آموزش و پرورش باید توانایی تربیت انسان‌های پاسخگوی دموکراتیک داشته باشد. (خورشیدی، پیشین: ۳۴۰) بسیاری از افراد معتقدند که آموزش و پرورش از عوامل کلیدی است که می‌تواند در فرایند اجتناب ناپذیر جهانی شدن، تأثیرات منفی آن را به تأثیرات مثبت و تهدیدات را به فرصتی برای توسعه جوامع محلی تبدیل نماید. بر اساس تجربه گذشته کشورهای آسیایی در برابر کشورهای غربی برای مفهومی کردن دانش محلی و توسعه انسانی به ویژه از طریق آموزش و پرورش جهانی نظریه‌ها و سیاست‌هایی پیشنهاد گردیده است که کشورها و جوامع دیگر با توجه به شرایط و ویژگی‌های خود می‌توانند از آنها به عنوان مدل‌هایی برای سیاستگذاری، آموزش و تحقیق استفاده کنند. نظریه‌های آمیب و قارچ حداقل جهت‌گیری محلی و بیشترین وابستگی جهانی را دارند و در مقام مقایسه نظریه‌های درخت، کریستال و قفس پرنده بیشترین جهت‌گیری محلی و کمترین وابستگی جهانی را دارند، اما نظریه دان.ا. بین دو گروه این نظریه‌ها قرار می‌گیرد. (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۴۷)

#### الف. نظریه آمیب مبتنی بر سیاست حداقل جهت‌گیری محلی و بیشترین وابستگی جهانی

فرایند استفاده کامل از دانش جهانی با کمترین محدودیت محلی است ترویج دانش محلی با استفاده کامل و گردآوری دانش جهانی د زمینه محلی صورت می‌گیرد برنامه درسی شامل طیف وسیعی از چشم‌اندازها و دانش جهانی است. کسب نگرش بین‌المللی وسیع و کاربرد دانش جهانی، به طور محلی و جهانی در آموزش و پرورش اهمیت بسیار دارد. فشارهای فرهنگی و ارزش‌های محلی در طراحی برنامه درسی و آموزش برای باز عمل کردن دانش‌آموزان به حداقل می‌رسد. نتایج مورد انتظار آموزشی فردی است باز و منعطف بدون هیچ هویت محلی که عمل و تفکر جهانی و انعطاف پذیر دارد. از نقاط قوت این نظریه این است که در برابر اشاعه جهانی باز و منعطف است. حداقل ویژگی فرهنگی و محلی را در گردآوری دانش و منابع جهانی داشته و برای توسعه افراد و جوامع محلی فرصت زیادی در بهره‌مندی از تجربیات پیشرفته نقاط مختلف دنیا دارد. نقطه ضعف آن از دست دادن هویت فرهنگی و اقتدار اجتماعی

جامعه محلی در جریان جهانی شدن خرد کننده است. (Cheng A, 2004: 29)

## ب. نظریه‌های مبتنی بر سیاست حداکثر جهت‌گیری محلی و کمترین وابستگی جهانی

### (۱) نظریه درخت

این نظریه بر این فرض قرار دارد که فرایند ترویج دانش محلی باید ریشه در ارزش‌های محلی و سنت‌ها داشته و منابع مفید و مربوط بیرونی را از سیستم دانش جهانی جهت توسعه دانش محلی جذب نماید. بنابراین ترویج دانش محلی در آموزش و پرورش جهانی، به هویت محلی و ریشه‌های فرهنگی نیاز دارد و طراحی برنامه درسی باید بر اساس ارزش‌های محلی و دارایی‌های فرهنگی با جذب دانش و تکنولوژی جهانی مناسب برای حمایت جوامع محلی و افراد به عنوان شهروندان محلی صورت گیرد. انتخاب دانش جهانی در آموزش عمدتاً به نیازهای جوامع محلی و ترجیحات فرهنگی بستگی دارد. نتایج آموزش مورد انتظار فرد محلی با نگرش جهانی که محلی عمل می‌کند و جهانی توسعه می‌دهد. نقطه قوت این نظریه این است که جوامع محلی ارزش‌های سنتی و هویت فرهنگی خود را حفظ کرده و دانش محلی را همزمان با رشد و تعامل با درون‌داد منابع و نیروی خارجی جمع‌آوری نمایند. محدودیت این نظریه این است که در صورت ضعیف بودن ریشه‌های فرهنگی رشد، افراد و جوامع محلی بسیار محدود و آسیب‌پذیر خواهند شد. تبدیل دانش جهانی به دانش محلی ممکن است بسیار انتخابی و محدود به تعصبات فرهنگی شود و یا بدون سیاست تغییر فرهنگی، توسعه و رشد عمدتاً تبدیل به تغییرات تکنیکی کوتاه مدت شوند.

### (۲) نظریه کریستال

کلید این فرایند داشتن هسته‌های محلی برای تبلور و انباشتن دانش جهانی به شکل محلی معین است ترویج دانش محلی به وسیله تجمع دانش جهانی در اطراف هسته‌های محلی صورت می‌گیرد. در طراحی برنامه درسی و آموزش، شناسایی نیازهای محلی هسته مرکزی و ارزش‌ها به عنوان بذره‌های بنیادی تجمع دانش و منابع مرتبط برای آموزش و پرورش است. در گردآوری خرد و دانش جهانی، درک ساختار دانش محلی برای دانش‌آموزان ضروری می‌باشد. نتایج آموزشی مورد انتظار فرد محلی است با کمی دانش جهانی که محلی باقی می‌ماند و تفکر و عملکرد محلی با فنون جهانی دارد. از نقاط قوت

این نظریه این است که تضادی بین نیازهای محلی و دانش جهانی گردآوری شده وجود ندارد. شناسایی نیازهای جوامع از درون داده‌های جهانی بسیار آسان است و از جهانی شدن کامل جلوگیری می‌کند. اما پیدا کردن مجموعه‌ای از هسته‌ها و ارزش‌های محلی مناسب که خرد و دانش جهانی را متبلور و محلی سازد، مشکل است و ممکن است که ماهیت اصلی هسته‌های محلی متبلور شوند و کمکی به رشد دانش جهانی و جوامع نکند.

### ۳) نظریه قفس پرنده

فرایندی است که در برابر جریان منابع و دانش جهانی باز عمل کرده اما توسعه محلی و تعامل با جهان بیرون در چارچوب ثابتی محدود می‌شود. ترویج دانش محلی در آموزش و پرورش جهانی به چارچوب محلی برای محافظت و فیلتر کردن نیازمند است. در طراحی برنامه درسی تنظیم چارچوب محلی با مرزبندی‌های ایدئولوژیک روشن و هنجارهای اجتماعی ضروری است. همچنین کلیه فعالیت‌های آموزشی تمرکز محلی داشته و از قرار گرفتن در جریان دانش جهان‌گستر و دروندادها بهره می‌برند و در این چارچوب علائق و مسائل محلی باید هسته مرکزی آموزش باشد. نتایج آموزشی مورد انتظار فرد محلی است با نگرش محدود جهانی که با دانش فیلتر شده جهانی، محلی عمل می‌کند. از نقاط قوت این نظریه این است که این چارچوب به تأمین ارتباط محلی در آموزش و پرورش جهانی و اجتناب از هر گونه از دست دادن هویت و علائق در خلال جهانی شدن کمک می‌نماید و علائق محلی را از فراج جهانی شدن محافظت می‌نماید. اما ساختن محدودیت‌های اجتماعی یا فرهنگی مناسب برای فیلتر کردن تأثیرات جهانی و تأمین ارتباط محلی مشکل است و این محدودیت‌ها ممکن است به قدری محدود کننده و بسته باشند که تعامل ضروری با دنیای بیرون را متوقف و رشد دانش محلی را محدود نمایند.

### پ. نظریه د.ان.ا. مبتنی بر سیاست میانه‌روی در جهت‌گیری محلی و وابستگی جهانی

روش کار در این نظریه شناسایی و پیوند عناصر کلیدی بهتر دانش جهانی و جایگزینی آنها با عناصر محلی ضعیف موجود در توسعه محلی است. در طراحی برنامه درسی بهترین عناصر دانش محلی و جهانی انتخاب می‌گردد. برای آموزش، درک عناصر قوی و ضعیف دانش محلی و جهانی ضروری است

و دانش آموزان برای پیوند عناصر با بافت محلی تشویق می شوند که باز عمل نمایند. نتایج آموزشی مورد انتظار فردی با خصوصیات ترکیبی جهانی و محلی است که عملکرد و تفکری با ترکیب دانش جهانی و محلی دارد. از نکات مثبت این نظریه باز عمل کردن جهت هر گونه سرمایه‌گذاری منطقی و پیوند با عناصر دانش معتبر بدون هیچ مانع محلی یا فشار فرهنگی است که روش کارآمدی برای یادگیری و بهبود عملکردهای محلی و توسعه به نظر می‌رسد. محدودیت این نظریه این است که شناسایی عوامل ضعف و قوت اجتماعی و فرهنگی ممکن است صحیح صورت نگرفته و به قدری مکانیکی باشد که پیوند و جایگزینی به سادگی و بدون هیچ مقاومت فرهنگی و تأثیر اجتماعی منفی در توسعه افراد و جوامع محلی در نظر گرفته شود.

در مجموع نظریه‌های یاد شده تأکیدات متفاوتی بر وابستگی جهانی و جهت‌گیری محلی دارند و بنابراین خصوصیات خاص خود، قوت‌ها و محدودیت‌هایی در مفهومی کردن و مدیریت فرایندهای ترویج دانش محلی و توسعه انسانی دارند. کاربردشان در طراحی برنامه درسی و آموزش و نتایج مورد انتظار آموزشی آنها در جهانی شدن آموزش و پرورش به طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است. نظریه‌های آمیب، درخت، کریستال، قفس پرنده و دان‌ا، رویکردهای متفاوتی را مانند ریشه‌های فرهنگی برای رشد، هسته‌های محلی برای تبلور، محدودیت‌های ایدئولوژیکی برای حفاظت و فیلتر کردن، جایگزینی عناصر ضعیف، هضم و جذب دانش جهانی و گشودگی کامل دانش جهانی محلی شده در فرایندهای جهانی شدن آموزش و پرورش فراهم می‌کنند. هر کشور یا جامعه محلی بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی منحصر به فردی داشته، بنابراین تمایل به استفاده از یک تئوری یا ترکیبی از تئوری‌ها در آموزش جهانی دارد که ممکن است با دیگران متفاوت باشد. این مدل‌ها طیف وسیعی از گزینه‌ها را برای سیاست‌گذاران و معلمان در مفهومی کردن و فرموله کردن راهبردها و اعمال در ترویج دانش محلی و منابع انسانی برای توسعه محلی فراهم می‌نماید. رابطه بین محلی شدن و جهانی شدن در آموزش و پرورش پویا و تعاملی است. جهانی شدن محلی شده در آموزش و پرورش می‌تواند ارزش‌های بیشتری برای توسعه محلی به وجود آورد، در صورتی که خلاقیت محلی و تطابق در فرایند تغییرات عملکردی و فرهنگی به کار گرفته شود. (کدیور و ابراهیمی قوام، پیشین) بر این اساس اشکال مختلف سیاست محلی شدن و جهانی شدن در آموزش و پرورش عبارتند از: منزوی شدن کامل، جهانی شدن کامل، محلی



شدن کامل، به میزان زیادی محلی و جهانی شدن. (Cheng B, 2004: 214)

### ۳. موانع سیاست مدیریت بر جهانی شدن آموزش و پرورش

پیش از ادامه بحث لازم است تا موانع سیاست مدیریت بر جهانی شدن آموزش و پرورش نیز معرفی شود. این موانع عبارتند از: نظام متمرکز آموزشی، دیوانسالاری، بی‌ثباتی در مدیریت، بی‌توجهی به آموزش‌های ضمن خدمت و بی‌توجهی به کیفیت و اثر بخشی نظام‌های آموزشی.

الف) نظام متمرکز آموزشی

نظام‌های آموزشی متمرکز علاوه بر این که فرآیند توسعه و جهانی شدن را تسهیل نمی‌کنند، با رسالت آموزش و پرورش نیز در تضادند، زیرا مسئولان چنین نظام‌هایی خلاقیت و نوآوری را ارج نمی‌نهند و به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان نیز توجه نمی‌کنند.

ب) دیوانسالاری

نظریه نظام آموزشی مبتنی بر دیوانسالاری و بوروکراسی، یک نظام آموزشی خلاق و پویا نمی‌باشد و استعداد‌های بالقوه دانش‌آموزان را شکوفا نمی‌سازد، زیرا چنین نظامی همه فراگیران را با مقررات و قوانین ثابت آموزشی و اداری تطبیق می‌دهد و از رشد و خلاقیت و ابتکار آنها جلوگیری می‌کند.

پ) بی‌ثباتی در مدیریت

یکی از موانع مهم در راه جهانی شدن آموزش و پرورش، بی‌ثباتی در مدیریت است، زیرا انتصاب مدیران آموزشی از وزیر گرفته تا مدیر، تابع نوسان‌های سیاسی جامعه است و به همین دلیل دوره مدیریت آنان بسیار کوتاه است و این امر با برنامه‌ریزی آموزشی که ماهیتی دراز مدت دارد، سخت در تضاد است.

ت) بی‌توجهی به آموزش‌های ضمن خدمت

در هر سازمانی، آموزش نیروی انسانی از لوازم توسعه پایدار است. همگام شدن با پیشرفت‌های جهانی آموزش و پرورش منوط به آموزش مستمر نیروی انسانی این سازمان اجتماعی است.

ث) بی‌توجهی به کیفیت و اثربخشی نظام‌های آموزشی که در برنامه‌ریزی‌های خود فقط به کمیت توجه کنند و از کیفیت و اثربخشی غافل بمانند، نه تنها به اهداف واقعی خود نخواهند رسید، بلکه از قافله

توسعه جهانی شدن نیز عقب خواهند ماند. (تصدیقی، ۱۳۸۳: ۱۵۹-۱۵۶)

#### ۴. راهبردها و سیاست‌ها بر مدیریت آموزش در عصر جهانی شدن

بر اساس نظریه توپ بیلارد برتون<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) در بازی بیلارد، میزان انرژی (توپ) در حرکت اولیه به قدرت سازمان و کشور معینی تعلق دارد، اما به محض آنکه حرکت توپ‌ها آغاز می‌شود، استقلال عمل در توپ نه فقط تحت تأثیر نیروی اولیه بلکه به حرکات و مواضع سایر توپ‌ها، سازمان‌های دیگر کشورها مربوط و محدود می‌شود، بدین ترتیب مدیران سازمان‌ها باید بتوانند در این بازی جهانی که تعاملات پیچیده‌ای در آن جریان دارد، روابط را به نفع خود تغییر دهند و حرکت و فعالیت‌های خود را در بستر جهانی قرین توفیق سازند. (الوانی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۱) لذا برای رفع موانع جهانی شدن نظام آموزشی توجه به راهبردهایی مانند: مدیریت مشارکتی و روابط جهانی، مدیریت کیفیت، مدرسه محوری، مدارس مجازی، مدارس هوشمند، سازمان یادگیرنده و آموزش جهانی، محلی و فردی، نگرش سیستمی، مدیریت دانش بنیان، مدیریت برون‌نگر جهان‌اندیش و به‌روز، پرهیز از نگرش درون‌نگر مدیریت سنتی، مدیریت مبتنی بر هوش فرهنگی قوی، مدیریت تغییر و... ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا نقش مدیران به طور اعم و مدیران مراکز آموزشی (به ویژه) بسیار خطیر و دشوار است. برای حل مسائل پیچیده ناشی از جهانی شدن مدیران باید به سیاست‌هایی چون دانش روز مجهز و واجد توانمندی‌ها و ظرفیت‌های جدیدی شوند. سازمان‌ها باید به معماری مجدد ساختارها و فرآیندهای خود بر اساس روابط جهانی اقدام کنند و طرحی تازه برای این دوران بیاندیشند. مدیران باید ضمن پاسخگویی به نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی به الزامات جهانی و بین‌المللی نیز پاسخ دهند. آنان باید در عرصه جهانی شدن صرفاً تحت تأثیر نیروهای دیگر کشورها قرار نگیرند، بلکه خود بتوانند بر دیگر کشورها اثرگذاری کرده و این تعامل و تاثیرگذاری متقابل را جهت اهداف نهایی خود تنظیم نمایند. (همان: ۱۴-۱۳) اندیشمندانی که با نگاه مثبت و درایت به جهانی شدن می‌نگرند و معتقدند با اتخاذ راهبردها و سیاست‌های مناسب می‌توان تهدیدات ناشی از جهانی شدن را به فرصت تبدیل نمود، راهکارهایی را برای کامیابی مدیران سازمان‌های گوناگون در این دوران ارائه داده‌اند که به برخی از آنها اشاره

<sup>۱</sup> - Burton

می‌شود:

الف) مدیریت امروز برای موفقیت در جهانی شدن باید خود را به روز نماید و از رفتارهایی که در گذشته به آنها خو گرفته رها شود. رفتار مدیریت در ساختارهای سلسله مراتبی و غیر قابل انعطاف از نوعی جمود و سکون رنج می‌برد و با چنین ساختارهایی نمی‌توان به استقبال دنیای آینده رفت. مدیریت جهانی باید ساختارهای عمودی و سلسله مراتبی را کنار نهاده و به ساختارهایی نو، انعطاف‌پذیر و شبکه‌ای روی آورد.

ب) دانشی شدن مدیریت طریق دیگر اداره امور در عصر جهانی شدن است. مدیریت جهانی باید مجهز به آگاهی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فنی در معیاری جهانی باشد تا بتواند منافع مخاطبان خود را در کنار منافع جهانی بهینه سازد. مدیریت جهانی باید چابک، توانمند و دانشی باشد. چنین مدیریتی از کلیه نیروهای موجود بهره می‌گیرد و به کمک توانایی آنها و ساماندهی کار آمد تشکل‌های خصوصی، عمومی و مردمی در عرصه جهانی با قدرت ظاهر می‌شود و بهره‌وری خود را از طریق دانش بنیان شدن ارتقاء می‌بخشد.

پ) در دنیای امروزه گذر به شیوه مشارکتی اداره امور در محیط کار، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. زیرا ظرفیت برای مشارکت گسترش یافته است و مسائل رویاروی ما در محیط کار، بسیار پیچیده‌تر و به هم بسته‌تر از آن است که تنها تعداد معدودی از مسئولان بتوانند آن را حل کنند. بنابراین، در زمینه جهانی شدن، آموزش و پرورش، گرایش به مدیریت مشارکتی در نظام آموزشی، اهمیت ویژه‌ای دارد. (تصدیقی، پیشین: ۱۶۰) مدیران باید با مشارکتی کردن مدیریت و ایجاد یک هویت جمعی برای نیل به این هدف در ایجاد جو اعتماد در سازمان بکوشند و با ایجاد سرمایه اجتماعی و صراحت و صداقت در سیاست‌ها و عملکردها همبستگی کارکنان با سازمان را تحقق بخشند. مدیریت‌ها باید بتوانند با مجهز کردن خود به دانش و هنر اداره شبکه‌ها، داخل این شبکه‌های پیچیده، سازمان خود را اداره کنند.

ت) مدیران سازمان‌ها باید در جهانی شدن، ذهنی جهان‌اندیش پیدا کنند و وابستگی و روابط میان‌ملل را به عنوان یک الزام بپذیرند و بدانند که دیگر مقوله‌ای کاملاً ملی و مستقل از جهان پیرامونی وجود نخواهد داشت. مدیران باید خود را تسهیل‌کنندگان روابط جهانی بدانند.

ث) در جهانی شدن باید با همگان خود در خارج از کشور ارتباط داشته باشد و از طریق نظام‌های

اطلاعاتی جهانی از الگوها و روش های بهینه جهانی آگاه گردد. مطالعات تطبیقی و الگو برداری از تجربه های موفق دیگران و آموختن از دیگر نظام ها با برقراری ارتباطات، ابزارهای یادگیری مدیریت جهان نگر و تولید دانش است.

ج) مدیریت سنتی در سیر تکاملی خود ابتدا به اهداف خاص در شاخه های مختلف وظیفه ای دل مشغول بود. با تحولات به وجود آمده در زمینه های اجتماعی، فرهنگی و افزایش انتظارات اجتماعی، مسؤلیت اجتماعی را به مجموعه مسؤلیتهای خود افزود و نگاه سازمانی را به دیدی اجتماعی-سازمانی تبدیل کرد. حال در جهانی شدن باید نگرش مدیریت وسیعتر شده و دربرگیرنده مسؤلیت سازمانی، اجتماعی و جهانی باشد. احساس مسؤلیت جهانی موجب می شود تا مدیریت مسائل درونی سازمان و جامعه را در بستر جهانی بررسی کند و به نتیجه های مناسب و مطابق با مصلحت جهانی دست یابد. (الوانی، پیشین: ۱۵)

چ) هوش فرهنگی به عنوان سخت افزار سیستم آیکوهای انسانی، مدیران را قادر می سازد که با محیط های جهانی نوین سازگار شده و توانمندی تعامل مؤثر با انسانهایی از فرهنگ های متفاوت را در خود ایجاد کنند. جامعه جهانی برای استمرار و هدایت فرآیند جهانی شدن نیازمند مدیرانی است که جامع جمیع مهارت ها و هوش های چندگانه (عقلانی، عاطفی، اجتماعی و...) باشند. هوش فرهنگی، جدیدترین موضوع در بحث توانمندی های رهبری و مدیریت است. (محمدخانی و تیموری، ۱۳۹۰: ۹۸)

ح) مدیریت مدرسه محور عبارت است از: تمرکز زدایی پایدار، مستمر و تدریجی در نظام آموزشی و انتقال اقتدار تصمیم گیری در ابعاد مختلف کارکردهای عملیاتی به مدرسه است. هدف اصل مدیریت مدرسه محور، بهبود عملکرد مدرسه و ارتقای کیفیت آموزشی به منظور افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. (حیدری تفرشی، سعیدآبادی و خدیوی، ۱۳۸۱: ۱۴۴ و ۱۴۱-۱۴۰)

خ) مدیریت کیفیت در آموزش و پرورش از دیگر مقوله هایی است که با تأکید بر خلاقیت و ابتکار، سبب حرکت نظام های آموزشی به سوی جهانی شدن می شود. ارزشیابی مستمر از فعالیتها به صورت بازخورد، دستیابی به کیفیت را سرعت می بخشد. باتوجه به این نکته فناوری ارتباطات، نظام اقتصاد ملی را به نظام اقتصاد جهانی مربوط کرده است، ملل و مشاغلی که مطابق مدیریت کیفیت جامع عمل نکنند، به سرعت در سطح جهانی از عرصه رقابت خارج می شوند.

د) رشد روزافزون فناوری اطلاعات و پیدایش چارچوب جدیدی موسوم به جامعه اطلاعاتی در حیات جوامع انسانی تأثیر شگرفی بر وجوه مختلف آموزشی و تعلیم و تربیت دارد که به کارگیری این ابزار جدید راهکارهای نوینی را در بهبود و توسعه نظام آموزشی ارائه می‌نماید. دیدگاه جدید کلاس‌های مجازی یکی از اصیل‌ترین راهکارهای دستیابی به اهداف آموزشی کشور و هم‌آوردی با قافله شتابان فناوری است. مهم‌ترین مزایای این دیدگاه عبارت است از: کارآمد نمودن نظام آموزشی و حرکت به سمت محیط‌های آموزشی پویا، فائق آمدن بر مشکلات ناشی از کمبود بودجه، دموکراتیزه کردن نظام آموزشی، توسعه عدالت آموزشی، تربیت نیروهای متخصص، کاربر و کارور در زمینه فن آوری اطلاعات، وسعت بخشیدن به عرصه نظارتی معلم به خارج از چارچوب‌های معمول، مادام‌العمر شدن آموزش و کاهش آثار مخرب زیست محیطی. (نیاز آذری، ۱۳۸۱: ۲۱۸)

مدیران مدارس، با بهره‌گیری از اطلاعات به‌روز شده، می‌توانند با اتخاذ و اجرای سیاست‌های کاربردی علمی متناسب با شرایط و امکانات و تحولات حیطه کاری خود کرده و با استفاده از اطلاعات پردازش شده، در دسترس، به نیازمندی‌های مختلف واحد آموزشی تحت پوشش، از قبیل برنامه‌ریزی کنترل، تأمین منابع، کیفیت بخشی و... پاسخ داده و به بهینه‌سازی روش‌های کاری و افزایش راندمان برنامه‌های مدارس بپردازند. ضرورت آشنایی مدیران با توانایی‌های مختلف فناوری اطلاعات و چگونگی بهره‌برداری از این توانایی‌ها به منظور ایجاد بازدهی بالاتر در محیط کاری خود تنها از طریق آموزش حاصل می‌شود. نظام مدیریت آموزش کشور باید درصدد کارآمدتر کردن سیستم و حرکت به سوی محیط‌های آموزشی پویا و مجازی نماید و به تربیت نیروهای متخصص کاربر در زمینه فناوری اطلاعات پرداخته و فرهنگ اطلاعات باشد. (همان: ۳۴۴) از جمله راهبردها و سیاست‌های دیگری که در این زمینه مفید می‌باشند می‌توان به موارد زیر نیز اشاره نمود:

الف) تاسیس مدارس هوشمند، مدارس هوشمند به مدرسه اطلاق می‌شود که خصوصیت رو درو و همچنین فعالیت‌های راه دور را یک جا با هم دارد. بدین صورت که دانش‌آموزان پس از حضور در کلاس درس ادامه فعالیت‌های کلاسی را با گذراندن وقت خود در کتابخانه‌های مجازی، سایت‌های اطلاع‌رسانی و بانک‌های اطلاعاتی پیگیری می‌نمایند. (نیاز آذری، ۱۳۸۱: ۳۷۸)

ب) برای کامیابی در توسعه در قرن بیست و یکم، مدارس باید سازمان‌هایی سازگار با قابلیت یادگیری،

رشد و تغییر مداوم شوند. امروزه حجم غیرقابل باوری از اطلاعات برای کمک به بهبود و اصلاح کار مربیان در کلیه جنبه های برنامه درسی، آموزش، مدیریت و روابط جامعه و والدین در دسترس است. بسیاری از این اطلاعات در گذشته نیز در دسترس بوده، اما تکنولوژی به طور اساسی مدیریت اطلاعات را تغییر داده است. سازمان‌هایی یادگیرنده موفق به طور مداوم در حال جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و یادگیری از داده‌ها و خود اصلاحی بر اساس زمینه‌های که آموخته‌اند، می‌باشند. این داده‌ها را از منبع گوناگون تولید و جمع‌آوری کرده و آنها را برای جستجوی داده‌های بیشتر به کار می‌گیرند. سازمان‌های یادگیرنده با مطالعه شیوه‌های ابتکاری، دائماً هزینه فایده این تغییرات را امتحان می‌کنند و این فاکتورها را در برابر نتایج عملکرد دانش‌آموزان در سنجش‌های داخلی و خارجی می‌سنجند. مدارس فهمیده‌اند که فناوری تنها ابزاری است که اشتراک دانش سازمانی، بهبود تصمیم‌گیری، تفکر اثربخش و یادگیری کارآمدتر را تسهیل می‌کند. (Costa and Kallick, 2000)

پ) چگونگی پاسخگویی به روندها و چالش‌های جهانی شدن به مسأله اصلی سیاستگذاری تبدیل شده است. در بحث اصلاحات آموزشی، افراد بر اهمیت و تأثیر جهانی شدن در آینده نسل بعد و جامعه خود تأکید می‌کنند و سعی در تطبیق نظام آموزشی، برنامه درسی و پداگوژی برای پاسخگویی به تقاضا و چالش‌های جهانی شدن دارند و متأسفانه ضرورت و اهمیت محلی شدن و فردی شدن را نادیده می‌گیرند. بدون محلی شدن آموزش و پرورش، قادر به برآورده کردن نیازهای محلی، حمایت‌جویی و افزایش سطح ابتکارات و انگیزش نبوده و بدون فردی شدن آموزش و پرورش، کلیه تلاش‌ها برای اصلاحات، قادر به برآوردن نیازهای دانش‌آموزان و معلمان و انگیزش آنها برای اثربخشی بهتر در فرایند یاددهی-یادگیری نمی‌باشند. بنابراین، جهانی شدن، محلی شدن و فردی شدن عناصر ضروری اصلاحات آموزشی جاری هستند. به طور سنتی هدف برنامه درسی کسب مهارت لازم برای بقای جامعه محلی برآورده کردن نیازهای نیروی انسانی جامعه در توسعه اجتماعی و اقتصادی بود اما با پارادایم سه‌گانه، هدف از برنامه درسی جدید پیشرفت دانش‌آموزان به عنوان شهروندانی باهوش‌های چندگانه، خودیادگیری مادام‌العمر سه‌گانه در یک دهکده جهانی با توسعه چندجانبه در ابعاد تکنولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، یادگیری و فرهنگی است. در هزاره جدید دنیا به سوی جهانی شدن چندجانبه تکنولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، یادگیری و فرهنگی حرکت کرده و دهکده جهانی با مرزهای تعاملی بین

کشورها و مناطق به وجود آمده است. نسل جدید باید افرادی با هوش‌های چندگانه برای پاسخگویی به تغییرات سریع در دهکده جهانی بوده و یادگیری، آموزش و تحصیل جهانی، محلی و فردی این نسل را یاری خواهد کرد. (Cheng, 2000: 157)

ت) لازم است که مدیران وضعیت جهان را با نگرش سیستمی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و از تفکر تک بعدی و یک جانبه بپرهیزند. نگرش سیستمی به مدیر کمک می‌کند تا هر چیزی را در ارتباط با سایر چیزها ببیند و تبعات تصمیمات خود را به گونه‌ای سیستمی تجزیه و تحلیل کرده و به دنبال کشف مناسب‌ترین راه برای کار در موقعیت‌های پیچیده و متنوع باشد. (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۰)

#### ۴. عناصر کلیدی سیاست تغییر و پیشرفت نظام آموزشی

الف) بصیرت: برای تغییر در یک نظام باید مراحل ضعف و قدرت مشخص شوند و زمینه حمایت از بصیرت جدید فراهم شود.

ب) حمایت عمومی و سیاسی: همان طوری که بصیرت توسعه می‌یابد و به عمل منتهی می‌شود حمایت عمومی مردم و رهبری سیاسی در تمام سطوح از سیستم، فهم عمیقی نسبت به آنچه باید تغییر کند و چرایی تغییرات ایجاد می‌کند.

پ) شبکه‌سازی: ساخت شبکه‌هایی برای مطالعه، آزمایش و حمایت بصیرت‌های جدید نظام آموزشی در ایجاد تغییرات نظام‌مند ضروری است.

ت) تغییرات یادگیری و یاددهی: اگر تغییرات در یادگیری و یاددهی رخ ندهد، تغییرات دیگر نیز، از ارزش کمی برخوردار خواهد شد.

ث) نقش‌ها و مسئولیت‌های مدیریتی: «برای ایجاد تغییر در یک کلاس درس، نقش‌ها و مسئولیت‌های اداری، مدیریتی در سطوح مدارس، منطقه و کشور از قالب سلسله مراتب کنترل به نقش حمایتی و تصمیمات مشارکتی تفاوت خواهد کرد.

ج) همسویی سیاست‌گذاری: همسویی در سیاست‌گذاری بصیرت و عمل نظام جدید در سطوح ملی و منطقه‌ای مورد نیاز است، به ویژه در چارچوب برنامه‌ریزی درسی، مواد و روش‌های آموزشی، سنجش و ارزیابی دانش‌آموزان، تخصیص منابع و در برگرفتن همه دانش‌آموزان همسویی سیاست‌گذاری ضروری

است. ایجاد تغییرات همزمان در این عناصر نیازمند برنامه‌ریزی آگاهانه است. (خورشیدی، پیشین: ۳۴۰)

آموزش و پرورش بزرگترین دستگاه اداری و تشکیلاتی کشور محسوب می‌شود. بیشترین سطوح مدیریتی را در محیط‌های متراکم انسانی در خود جای داده است؛ اما به دلیل غفلت از امر توسعه مدیریت نتوانسته به گونه‌ای ریشه‌ای، نظام‌مند و راهبردی در جهت تربیت مدیرانی با درجه هوشمندی و استعداد سطح بالا در عرصه اندیشه و تفکر، تلاش و ارتباط مؤثر اهتمام ورزد و از این طریق ظرفیت‌های فزاینده‌ای را ایجاد نماید. این امر در حالی است که در پیشینه نظری موضوع توسعه مدیریت، در دنیای کنونی پیشرفت‌های چشمگیری صورت پذیرفته و موضوع توسعه مدیریت با جهت‌گیری راهبردی از غنی‌سازی مفهومی برخوردار گشته و ابعاد تخصصی و تبیینی متفاوتی را مورد توجه قرار داده است، روی‌آوری به سمت کارهای خدماتی و مبتنی بر دانش و تأکید بر سرمایه انسانی نیاز به انواع جدیدی از کارکنان و مدیران را با آگاهی و دانش‌های ویژه برای پیشبرد امور سازمان‌ها و مدیریت آنها ضروری ساخته است. افزایش سرمایه‌های انسانی یا فکری و تغییر در حوزه دانش، آموزش، مهارت و قابلیت‌های نیروی کار، نه تنها نیاز به کارکنان مشاغل دفتری و یدی را کاهش می‌دهد، بلکه بزرگترین چالش، اتخاذ سیاست مناسب برای اعمال مدیریتی متفاوت از آنچه پرسنل‌های گذشته جایز شمرده شده است، می‌باشد. (۱۷)

از این میان سیاست‌های بصیرتی مدیریت بر آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن از همه مهمتر می‌باشد و بر این اساس در این بخش این سیاست‌ها بررسی می‌شود.

الف) بصیرت قانونی: مدیران آموزشی، دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان باید قوانین و مقررات و حدود اختیار و مسئولیت خود را بدانند و این فقط از طریق بصیرت قانونی امکان پذیر است.

ب) بصیرت مهارتی: مهارت‌هایی که به اندازه کافی تمرین نشده‌اند به زودی فراموش می‌شوند و منجر به تخصص‌زدایی می‌گردد. بنابراین باید در برنامه‌های درسی آموخته شود که عمیقاً دانش‌آموز را با تفکر انتقادی، حل مسأله، قدرت تصمیم‌گیری، چگونگی ارتباط مؤثر، مهارت‌های بین‌فردی، شیوه خودمدیریتی، همدردی با دیگران، چگونگی مقابله با مسائل عاطفی و انواع استرس و چگونگی برنامه‌ریزی شغلی آشنا گردیده و در آنها نهادینه گردد.

پ) بصیرت پژوهشی: آموزش در بستر پژوهش پایدار و مفید است. در این فرآیند برای دانش‌آموزان فرصت فراهم گردد تا به کمک معلمان با فرایند پژوهش و مهارت‌های آن آشنا شوند.



ت) بصیرت تکنولوژی: مدیران باید دانش‌آموزان را با تکنولوژی جدید آشنا ساخته و زمینه ورود این فناوری را برای آنها در کلاس درس فراهم آورند، بدین ترتیب فاصله بین کلاس درس و دنیای جهانی شده کم می‌شود.

ث) بصیرت تشکیل سمینارها جهت افزایش آگاهی فردی: با توجه به سن دانش‌آموزان، در سمینارها و نشست‌ها، آنها را با اهداف مراکز آموزشی، رشته‌های تحصیلی، منابع و سرچشمه‌های علمی، مراکز مشاوره و... آشنا کنند.

ج) بصیرت یادگیری در دنیای جهانی شده: پل زدن بین مفاهیم مورد تدریس و دنیای واقعی باید بخشی از برنامه درسی باشد و یا توسط معلمان از طریق غنی‌سازی محتوا، خلاء و شکاف بین درس و دنیای واقعی جهانی شده ترمیم شود.

چ) بصیرت در امر کیفیت تدریس: تشویق مهارت‌های کار گروهی، ایجاد مهارت‌های خلاقیتی، انتقادی، تشخیص حل مسأله، خودآغازگری، خودقضاوتی و خودراهبری در امر تدریس از محورهای ارتقای کیفیت تدریس است.

ح) بصیرت چگونگی کاربرست وسعت منابع یادگیری: دانش‌آموزان راه چگونگی استفاده از منابع اطلاعاتی و علمی آشنا سازند. (حیدری تفرشی، سعیدآبادی و خدیوی، پیشین: ۱۴۴)

#### ۴. سیاست‌ها و راهبردهای مدیریت بر آموزش و پرورش در محیط‌های آموزشی در عصر جهانی شدن

سیاست‌گذاران آموزشی باید به رشد ابعاد جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و بوم‌شناختی دانش‌آموزان توجه کنند، جهانی بیندیشند و به هنگام عمل امکانات و محدودیتهای محلی را در نظر بگیرند، در تنظیم و طراحی آموزشی برنامه درسی و مدل‌یابی با معلمان مدرسه مشارکت کنند. با مراکز آموزش جهانی نظیر سازمان علمی، تربیتی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو، در زمینه‌های یاددهی یادگیری در تماس باشند، راه‌های بهتر غلبه بر تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس را دنبال کنند تا زمینه برابری آموزشی در محیط‌های آموزشی ایجاد شود و پرورش تدریجی فراگیران به سوی کمال شکل گیرد، با سبک‌های جدید یادگیری دانش‌آموزان در کلاس آشنا شده، روش‌های

تدریس معلمان را با سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان تلفیق کنند. دانش‌آموزان را به بررسی و درک تاریخ و فرهنگ کشورهای همجوار تشویق کنند. دانش‌آموزان را به بررسی و تجزیه و تحلیل مشی‌ها، فرایندها و نوآوری‌هایی که مدرسه را به پیشرفت سوق می‌دهد هدایت کنند، برنامه‌های فرهنگی اجتماعی ارتباطات میان آموزش و پرورش و نهادهای اجتماعی دیگر، آموزش و پرورش و کار، آموزش و پرورش و شهروند جهانی و اختلاف‌هایی که در یادگیری آنان نقش دارد، بررسی و تحلیل کنند، نقش شبکه‌های جهانی و فناوری‌های اطلاعاتی را در یادگیری دانش‌آموزان با استفاده از رویکردهای آموزشی اجتماعی ساختارگرایی تبیین کنند، پروژه‌های تحقیق به مثابه برنامه درسی مشترک تمام رشته‌های علمی به منظور یادگیری نظیر پروژه‌های میدانی یادگیری، خدمات فعالیت‌های آموزش را به گونه‌ای طراحی کنند که اندیشه‌های محتوایی و فرآیندی با هم تلفیق شود. (کرمی‌پور، پیشین: ۴۱-۴۲)

### نتیجه گیری

جهانی شدن فرآیندی است که حاکمیت و هویت فرهنگی ملل را در سطوح خرد و کلان تحت تأثیر قرار داده است، لذا نظام‌های آموزشی و پرورشی نمی‌توانند خود را جدا یا دور از این فرایند رو به گسترش در نظر بگیرند. با مطرح شدن کلاس‌های درس مجازی، اینترنت، نظام‌های آموزشی دیگر در کنار آموزش رسمی نمیتوان آنها را نادیده گرفت و صرفاً به مقابله با آنها پرداخت، بلکه باید با تعیین مأموریت‌ها، چشم‌اندازها، اهداف کلان و خرد، از این نظام‌های یادگیری مجازی حداکثر بهره‌برداری جهت ارتقاء سطح کیفی و کمی مهارت‌های یادگیری و یاددهی، را نمود و این امر مستلزم پویایی نظام آموزشی و توجه مسئولان و مدیران این نظام است. امروزه جهان به صورت یک کلاس درس درآمده و دانش‌آموزان از سراسر دنیا می‌توانند خوراک فکری بگیرند و این وظیفه مدیران و معلمان است که دیوار کلاس و مدرسه را به جهان وصل کنند. پذیرش سیاست‌های کلیشه‌ای و بسته دیگر جایگاهی ندارد و باید طرحی نو در فضای جهانی شدن درانداخت. در این راستا این اقدامات ضروری به نظرمی رسد: گسترش فرهنگ مشارکت و مدیریت مشارکتی در مدارس، تحول در اهداف، ساختار روش‌ها و کلیه اجزای سیستم آموزشی به نحوی که پاسخگوی تغییرات باشند، ایجاد زمینه برای نوآوری و خلاقیت معلمان و دانش‌آموزان، کاهش دیوانسالاری اداری، حرکت به سمت عدم تمرکز و مدرسه محوری،

توجه به مدیریت کیفیت در سازمان‌های آموزشی، حرکت از برنامه روزی به سمت برنامه ریزی و پرهیز از تقدیرگرایی، تبدیل سازمان‌های آموزشی به سازمان یادگیرنده، استفاده از فراشناخت در آموزش، فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم برای استفاده از فناوری‌های جدید، آموزش مسئولین، مدیران و آموزش‌دهندگان.

### منابع فارسی

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۰)، «جهانی شدن مدیریت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال دوم، پیش شماره ۲.
- تصدیقی، محمدعلی (۱۳۸۳) «موانع و چشم‌اندازهای آموزش و پرورش در راه جهانی شدن»، *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۱۵۶-۱۵۹.
- حیدری تفرشی، غلامحسین، و رضا یوسفی سعیدآبادی و اسداله خدیوی (۱۳۸۱)، *نگرشی به نظریات سازمان و مدیریت در جهان امروز*، تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.
- خورشیدی، عباس (۱۳۸۱)، *مدیریت و رهبری آموزشی*، تهران: انتشارات یسطرون.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۲)، *مدیریت فراملیتی و جهانی نگرش تطبیقی*، تهران: انتشارات سمت.
- شهرکی پور، حسن و پری‌ناز بنی‌سی (۱۳۸۳)، *نگاهی به مسائل آموزشی در هزاره سوم*، تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.
- عباسپور، عباس (۱۳۸۳)، «توسعه مدیریت ضرورت یا اجتناب ناپذیر برای درک چالش‌ها و پارادایم‌های نوین آموزش و پرورش»، *فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش*، سال دهم، شماره ۳۷.
- کدیور، پروین و صغری ابراهیمی‌قوام (۱۳۸۲)، *جهانی شدن و تعلیم و تربیت*، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کرمی پور، محمدرضا (۱۳۸۲)، «جهانی شدن در مدیریت و رهبری آموزشی»، *مجله تکنولوژی آموزشی*، شماره ۱.
- کریمی، فریبا، (۱۳۸۷)، «تغییرات آموزشی در دوره جهانی شدن»، *پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان.
- محمدخانی، کامران و ولی تیموری (۱۳۹۰)، «هوش فرهنگی و رهبری جهانی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن*، سال دوم، پیش شماره ۲.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۹)، «جهانی شدن، یکپارچه سازی و یکسان سازی»، *روزنامه آفتاب یزد*، شماره ۱۲.

- نیاز آذری، کیومرث (۱۳۸۱)، *رفتار و روابط انسانی در سازمان‌های آموزشی هزاره سوم*، تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه.

### English Source

- Cheng, Yin Cheong B (2004), "A CMI-triplication Paradigm Education in New Millennium", **The Intonation Journal of Education Management**, Vol. 14, No. 4.

- Cheng, Yin Cheong, (2000), "A CMI-Triplization Paradigm for Reforming Education in New Millennium", **The Internation Journal of Educational Management**, Vol. 14, No. 4.

- Costa, L. and Bena Kallick, (2000), **Integrating and Sustaining Habits of Mind**, at: <http://www.ascd.org>

7- Cheng, Yin Cheong A (2004), "Fostering Local Knowledge and Human Development in Globalization of Education", **The Internation Journal of Educational Management**, Vol.18, No. 1.